

بررسی پیکرکهای تاجدار شوش

مهناز رحیمی فر

مقدمه

یکی از مکانهایی که نقش عمده‌ای در خاستگاه تمدنهای دنیا داشته دشت خوزستان و به عبارت دیگر، شوش یا سوزیانا است که در طی قرن‌ها شاهد حوادث و وقایعی بوده که در تکوین تمدن بشر نقش اساسی داشته است.

در میان آثار ارزشمندی که از این مکان به دست آمده است تعداد کثیری پیکره از جمله پیکره‌های زنان وجود دارد. ساخت این پیکره‌ها به‌ویژه از دوران ایلام، که مرکز سیاسی و مذهبی آن شوش بوده است، رایج شده و در دوران پس از آن نیز تداوم یافته است. هرچند اعتقادات مذهبی در دوران پس از ایلام، پرستش پیکره خدایان را نفی می‌کند و وجود پیکره‌هایی از این دوران، دگرگونیهای اعتقادی را نمایان می‌سازد. چنان‌که اعتقادات مذهبی هخامنشیان پرستش هرگونه پیکره را مردود می‌داند ولی در زمان اردشیر دوم، بتکده‌ها و پرستشگاههایی که به فرمان شاهان هخامنشی ویران شده بود دوباره بر پا شدند و پیکره الهه‌ها مورد احترام قرار گرفتند.

ساخت این پیکره‌ها، در دوران سلوکی - پارت تحت تأثیر هنر هلنی به شیوه‌های جدید، رایج شد و با ایجاد تغییرات سیاسی - مذهبی و اجتماعی در دوره ساسانیان و حتی اسلامی، ساخت پیکره‌ها متأثر از دیدگاههای حاکم، ادامه یافت.

نام شوش با اسامی چون شوشن، سوسای، سوسن، سوسا در متون مختلف به کار رفته است. شوشان صورتی از نام شهر شوش است که در کتیبه آشوربانی پال راجع به فتوحات او در ایلام آمده است. شوشان یا شوشن در عبری به معنی زنبق است و یونانیان شوش را با عنوان سوسای می‌شناختند و آن را «سوسای ایلام» می‌خواندند. شوشن یا سوسن، خود نام همه گیاهان تیره زنبق، زنبق، نرگس، مورد و اسپرغم است.

مطالعات و پژوهشهای باستان‌شناسی انجام شده در دشت خوزستان، وجود آثار فرهنگی را از ابتدایی‌ترین حضور فعالانه انسان تا قرون میانی دوران اسلامی، به اثبات رسانده است. این مطالعات به شناسایی محوطه‌های باستانی متعددی منجر شده است.

تپه‌های شوش تقریباً در پنجاه کیلومتری جنوب اندیمشک و کناره جاده‌ای که از این شهر به سمت اهواز کشیده شده است. وسعت این محوطه بنا بر شواهد باستان‌شناسی نزدیک به چهارصد هکتار است. این محوطه پهناور در بین دو رود بزرگ کرخه در غرب و دز تقریباً در شرق جای گرفته است. در دهه‌های پایانی سده گذشته میلادی، فرانسویان براساس وضعیت تپه‌ها و نشیب و فرازهای آن، این محوطه را به چهار قسمت تقسیم و نام‌گذاری کرده‌اند، که امروزه نیز به همین نامها شهرت دارند: تپه بلندتر را که در جنوب‌غربی واقع شده «ارگ» (Acropole) تپه شمالی را «آپادانا» (Apadana) تپه سوم را که در شرق این دو تپه جای دارد «شهرشاهی» (Vill Royale) نام دادند و کلیه محوطه سمت شرق و شمال این فضا را به نام «پیشه‌وران» (Ville des Artisans) نامیده‌اند.

شاید بتوان اولین کسی را که باعث شد به اهمیت باستانی شوش توجه شود، بنجامین بن جناح، خاخام کلیمی دانست. او در سالهای بین ۱۱۷۳-۱۱۶۳ به جهت رسیدگی به وضعیت کلیمیان ایران به شوش رفت و هنگام زیارت آرامگاه دانیال نبی، از اتلال باستانی شوش دیدن کرد و آن را همان «شوشان» مذکور در تورات دانست. از این زمان به بعد، گروه کثیری از جهانگردان از شوش دیدن کردند و در سفرنامه‌های خود ضمن وصف شوش، طرحهایی از آن ارائه دادند.

از پیشگامان حفاری در شوش، ویلیام کنت لفتوس، زمین‌شناس انگلیسی بود. او در سال ۱۸۵۱ کار حفاری در شوش را آغاز کرد. در سالهای ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۶، مارسل آگوست دیولافوا،



معمار فرانسوی به همراه همسرش ژان پل هانریه، حفریات افتوس را در شوش ادامه داد. پس از آنها، ژان ماری ژاک دومورگان حفریات خود را در سال ۱۸۹۸ آغاز کرد. او تا سال ۱۹۰۸ سرپرستی هیئت فرانسویها را در شوش برعهده داشت. پس از او دومکنم تا سال ۱۹۱۴ کار حفاری را در شوش ادامه داد. با آغاز جنگ جهانی اول کار حفریات شوش متوقف شد. پس از پایان جنگ، در سال ۱۹۲۰ دومکنم کار حفاری را در شوش ادامه داد. جنگ جهانی دوم، وقفه‌ای دوباره در حفریات شوش به وجود آورد. پس از پایان جنگ، سرپرستی هیئت شوش به رومن گریشمن واگذار شد. او تا سال ۱۹۶۷ به کار خود ادامه داد. پس از او ماری ژان، برای مدت کوتاهی سرپرستی هیئت را به‌عهده داشت و با انتصاب ژان پرو در سال ۱۹۶۸، طرح نوینی برای مطالعات شوش پی‌ریزی شد و افراد مختلفی چون ژنویه دلفوس، آدران لابروس و رمی بوشارلا و ژان پرو با همکاری مرکز باستان‌شناسی ایران به حفریات خود در شوش ادامه دادند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و خروج هیئت‌های باستان‌شناسی خارجی از ایران، کاوش در شوش نیز متوقف شد و پس از وقفه‌ای چند ساله، مجدداً در سال ۱۳۶۱ حفریات شوش زیر نظر عابدین کابلی آغاز شد.

معرفی پیکره‌ها و سردیس‌های تاجدار

در طی حفریات علمی و تجاری در شوش و مناطق مجاور آن به‌ویژه اهواز، پیکره‌ها و سردیس‌های بسیاری به‌دست آمده است. اغلب آنها از گل حرارت‌دیده ساخته شده‌اند. گونه‌ای از این پیکره‌ها، متأثر از سبک هنری پیکرسازی پارتی و ساسانی بوده و ساخت آنها حتی تا دوران اسلامی با تغییراتی تداوم یافته است.

در ساخت این‌گونه خاص از پیکره‌ها، روش یکسانی به‌کار رفته است و در اغلب آنها قسمت بدن دست‌ساز و ساده است. ولی در ساخت قسمت «سر» پیکره از قالب یکطرفه استفاده شده است و سعی شده تزئینات و جزئیات در آن با دقت بیشتری نمایش داده شود. در بیشتر این پیکره‌ها، محل اتصال «سر» به «بدن» به‌خوبی نمایان است و گاه برای این منظور از قطعات

کوچک گل استفاده شده است. برخی از پیکره‌های یافت‌شده کامل هستند و برخی دیگر سر یا بدن ندارند.

آنچه این‌گونه پیکره‌ها را از دیگر پیکره‌ها متمایز می‌کند وجود سرپوش تاج‌مانندی است که هرکدام از آنها با تزئینات خاصی آراسته شده است. چهره این پیکره‌ها فرم یکسانی دارد و همگی تقریباً گرد و پهن هستند. جزئیات چهره، مانند برجستگی بینی و لبها، و فرورفتگی چشمها به‌خوبی در آنها نمایش داده شده است. بر لبان اکثر آنها تبسمی ملایم وجود دارد. با این‌حال، چهره این پیکره‌ها با هم متفاوت است و هیچ‌کدام شبیه هم نیستند.

تصویر ۱- قسمت سر پیکره، به رنگ نخودی روشن، فاقد سرپوش بوده و موهای کوتاه او به سبک یونانی به‌حالت فرق باز از وسط است. محل نگهداری، موزه ملی ایران، شماره موزه: ۲۲۷۹، محل اکتشاف: اهواز، طول ۷/۳ سانتی‌متر.

تصویر ۲- قسمت سر پیکره، به رنگ نخودی، بر روی پیشانی آن نواری متشکل از هفت دایره کوچک برجسته وجود دارد. طره‌های مو در دو طرف صورت تا کناره‌ها گونه‌ها امتداد یافته است. محل نگهداری، موزه ملی ایران، شماره موزه: ۲۲۷۷، محل اکتشاف: شوش، طول ۵/۴ سانتی‌متر، عرض ۴ سانتی‌متر.

تصویر ۳- قسمتی از سر یک پیکره، به رنگ نخودی، بر روی پیشانی آن نوار باریکی شبیه سر بلند وجود دارد. طره‌های مو، در دو طرف صورت آویخته است. محل نگهداری، موزه ملی ایران، محل اکتشاف: اهواز، طول و عرض ۵/۵ سانتی‌متر.

تصویر ۴- قسمتی از سر یک پیکره، به رنگ نخودی، بر روی پیشانی آن نوار تابدار برجسته‌ای وجود دارد. در کنار گوشها طره‌های مو به‌صورت حلقه‌های پیچیده دیده می‌شود. محل نگهداری، موزه ملی ایران، شماره موزه: ۵۰۸، محل اکتشاف: شوش، طول ۶ سانتی‌متر، عرض ۷/۵ سانتی‌متر.

تصویر ۵- قسمتی از سر یک پیکره، به رنگ نخودی روشن، بر روی پیشانی آن نوار تابدار برجسته‌ای وجود دارد. طره‌های مو به‌شکل حلقه‌ای پیچیده در دو طرف صورت تا زیر گوشها امتداد یافته است. همچنین زیورهای مدوری به‌شکل گل از زیر نوار در دو طرف سر آویخته شده



است. محل نگهداری، موزه ملی ایران، شماره موزه: ۲۳۲۳، محل اکتشاف: اهواز، طول ۱۰ سانتی‌متر، عرض ۶ سانتی‌متر.

تصویر ۶- قسمتی از سر یک پیکره، به رنگ نخودی، تاجی که او بر سر دارد دارای لبه کنگره‌ای هلالی شکل است که در قسمت بالا و پایین آن نوار برجسته‌ای وجود دارد. نوار پایینی آن (لبه تاج) با خطوط موازی مورب تزئین شده است و در قسمت میانی تاج، دایره‌ای برجسته با نقشی شبیه به گل وجود دارد. طره‌های مو با زیوری متشکل از دوایر کوچک فرو رفته آراسته شده است که در دو طرف سر از زیر تاج آویخته شده و تا پایین گوشها امتداد یافته است. محل نگهداری، موزه ملی ایران، شماره موزه: ۲۱۰۱، محل اکتشاف: شوش، طول ۱۰/۶ سانتی‌متر، عرض ۷ سانتی‌متر.

تصویر ۷- قسمت سر یک پیکره به رنگ نخودی، بر سر او کلاه تاج ماندی است که لبه مسطح و تقریباً مستطیل شکل دارد. لبه بالایی و پایینی آن از یک ردیف نقاط برجسته در کنار هم تشکیل یافته است. قسمت میانی آن با خطوط موازی به چهار قسمت تقسیم شده و درون هر یک از آنها با سه نقطه برجسته به شکل مثلث در بالا و نقش بیضی شکل در پایین، تزئین شده است. در این سردیس نیز، قسمت کمی از موها در دو طرف صورت با زیوری متشکل از سه مهره مدور آراسته شده است. محل نگهداری، موزه ملی ایران، شماره موزه: ۵۰۹، محل اکتشاف: اهواز، طول ۵/۶ سانتی‌متر، عرض ۴/۲ سانتی‌متر.

تصویر ۸- قسمت سر پیکره، به رنگ نخودی تیره، بر سر او تاج مثلثی شکل قرار دارد. لبه‌های بالایی آن در دو طرف با دوایر کوچک و در پایین با نواری تابدار شامل خطوط کوتاه موازی تزئین شده است. در قسمت میانی آن نقش دو پرند (احتمالاً مرغابی) در روبه‌روی هم و در حد فاصل آنها شیء نامشخصی قرار دارد. در دو طرف گونه‌ها، در امتداد گوشها، زیوری متشکل از دو مهره دایره‌ای شکل، از تاج آویخته شده است. محل نگهداری، موزه ملی ایران، محل اکتشاف: شوش، شماره موزه: ۵۰۵، طول ۸/۶ سانتی‌متر، عرض ۵/۸ سانتی‌متر.

تصویر ۹- قسمت سر پیکره، به رنگ نخودی تیره، بر سر آن تاجی تقریباً کنگره‌ای شکل وجود دارد که دو لبه طرفین آن نیم‌دایره‌ای شکل است. سطح این تاج با دوایر و نقاط کوچک برجسته

پوشیده شده است. همچنین لبه تاج با باندی متشکل از دوایر کوچک برجسته، تزئین شده است. همانند نمونه‌های قبل، بر روی پیشانی او نواری تابدار وجود دارد. در طرفین صورت آن، طره‌های مو آراسته به زیوری، آویخته است. برخی از قسمت‌های آن با لایه نازکی به رنگ سیاه پوشیده شده است. محل نگهداری، موزه ملی ایران، محل اکتشاف: شوش، شماره موزه: ۲۱۰۲، طول ۸/۵ سانتی‌متر، عرض ۷ سانتی‌متر.

تصویر ۱۰- قسمتی از یک پیکره، بدن به رنگ نخودی و سر آجری رنگ، در این پیکره قسمتی از بدن و دستها شکسته شده است. بر سر پوششی دارد که قسمت میانی و طرفین آن با خطوط موازی و مایل با کمی برجستگی، تزئین شده است. در طرفین گوش، برآمدگی وجود دارد که احتمالاً منظور از آن نمایش طره‌های مو بوده است. جزئیات لباس آن مشخص نیست ولی وجود برجستگی هفتی شکل بر روی سینه، یقه لباس را تداعی می‌بخشد. در برخی از قسمت‌های آن، آثار رنگ اخراپی به‌ویژه در محل گردن و رنگ سیاه و سفید در محل چشمها باقی مانده است. محل نگهداری: موزه ملی ایران، محل اکتشاف: شوش، شماره موزه: ۲۳۰۶، طول ۱۲/۷ سانتی‌متر، عرض ۸ سانتی‌متر.

تصویر ۱۱- قسمتی از یک پیکره، به رنگ نخودی روشن، در این پیکره قسمتی از بدن و دستها شکسته است. سرپوش آن با خطوط افقی و عمودی در قسمت میانی و طرفین سر تزئین شده است. به نظر می‌رسد لباس آن یقه هفتی شکل بلندی دارد. محل نگهداری: موزه ملی ایران، محل اکتشاف: شوش، شماره موزه: ۲۳۲۵، طول ۱۴/۶ سانتی‌متر، عرض ۵/۵ سانتی‌متر.

تصویر ۱۲- قسمتی از یک پیکره، بدن به رنگ نخودی و سر آجری رنگ، در این پیکره نیر قسمتی از بدن و یک دست شکسته است. بر سر او، کلاه تاج‌مانندی است که تقریباً مدور بوده و سطح آن با نقوش درهم پیچیده دایره شکل برجسته‌ای تزئین شده است. دست راست به صورت استوانه‌ای باریک و بلند بدون تناسب با بدن و به صورت مایل بر روی بدن قرار گرفته است. هرچند پوششی که بر تن آن است مشخص نیست ولی در حد فاصل بین شانه‌ها دو خط نیمه‌برجسته به شکل هفت وجود دارد که احتمالاً منظور نمایش یقه لباس او بوده است.



تصویر ۱۳- قسمتی از یک پیکره، به رنگ نخودی روشن، بر سر این پیکره نیز تاجی تقریباً کنگره‌ای شکل وجود دارد. قسمت میانی آن کمی به خارج برآمده است. سطح آن با خطوط به هم پیچیده تزئین شده است. این تاج به نواری تابدار بر روی پیشانی منتهی می‌شود. بدن این پیکره، به شکل استوانه باریکی است و قسمت کمی از دستها در طرفین بدن باقی مانده است. جزئیات لباس آن مشخص نیست ولی گردن‌بند او به خوبی نمایش داده شده است. در قسمت وسط گردن‌بند، آویزی به شکل اشک آویخته است. در برخی از قسمت‌های این پیکره، آثار رنگ سیاه وجود دارد. محل نگهداری: موزه ملی ایران، محل اکتشاف: شوش، شماره موزه: ۳۹۹، طول ۱۶/۵ سانتی‌متر، عرض ۸/۵ سانتی‌متر.

تصویر ۱۴- قسمتی از یک پیکره، به رنگ نخودی روشن، قسمت بالای تاج این پیکره، تزئینات برجسته‌ای دارد و در انتهای آن بر روی پیشانی نوار ساده‌ای وجود دارد. فرم بدن این پیکره، همانند پیکره‌های دیگر ساده و استوانه‌ای شکل است. در پایین گردن آن سه دایره کوچک نیمه‌برجسته وجود دارد. همچنین در پایین آن آثار وجود گردن‌بند به خوبی آشکار است. از وسط آن آویزی به شکل اشک آویخته است. محل نگهداری: موزه ملی ایران، محل اکتشاف: شوش، شماره موزه: ۲۳۲۴، طول ۱۰ سانتی‌متر، عرض ۶ سانتی‌متر.

تصویر ۱۵- قسمتی از یک پیکره، به رنگ نخودی روشن، بر سر آن نیز تاجی تقریباً کنگره‌ای شکل وجود دارد. سطح میانی آن با سه دایره منقوش تزئین شده است. این تاج نیز به نوار تابدار برجسته‌ای بر روی پیشانی ختم می‌شود. طره‌های مو از زیر تاج خارج شده و در دو طرف صورت با زیورهایی آراسته شده است. بدن این پیکره استوانه‌ای شکل بوده و دستها در طرفین بدن خیلی کوتاه و بدون تناسب با قسمت‌های دیگر آویخته شده است. سینه‌ها با کمی برآمدگی نمایش داده شده است. به نظر می‌رسد بر تن این پیکره پوشش نازکی وجود دارد. آستین لباس بلند و تا مچ دستها امتداد یافته است. احتمالاً بر روی بازوان او دو بازوبند بسته شده و از مچ دستها نیز نواری آویخته شده است که به صورت قوسی تا کنار پایین دامن لباس ادامه دارد. احتمالاً بر گردن او گردن‌بندی آویخته بوده که هم‌اکنون فقط اثر آن بر بدن پیکره باقی مانده است. محل

نگهداری: موزه ملی ایران، محل اکتشاف: اهواز، شماره موزه: ۵۱۰، طول ۱۴/۶ سانتی متر، عرض ۷ سانتی متر.

تصویر ۱۶- این پیکره کامل است. بر سر آن نیز تاجی با لبه کنگره‌ای شکل وجود دارد. بر قسمتهایی از آن آثار رنگ قرمز باقی مانده است. در انتهای تاج، نوار تابدار برجسته‌ای بر روی پیشانی وجود دارد. پیراهنی بر تن او است که تا بالای رانها امتداد دارد. به نظر می‌رسد یقه لباس گرد و در میان آن گردنبندی آویخته شده که قسمت میانی آن مدور است و دو طرف آن را نوار ضخیمی دربر گرفته است. تزئینات برجسته‌ای به شکل برگ و مثلث در وسط و از بالا به پایین وجود دارد. سینه‌ها کاملاً برجسته است. شانه‌ها بالا کشیده شده و بر روی بازوها نواری شبیه بازوبند وجود دارد. احتمالاً بر مچها نیز دستبند و از دستها نواری آویخته شده است. دستها نسبت به بدن کوتاه‌تر است. پاها به هم چسبیده و انگشتان به وضوح نمایان است. آثار رنگ سیاه در برخی از قسمتهای آن وجود دارد. محل نگهداری: موزه ملی ایران، شماره موزه: ۳۹۵۶، طول ۴۰ سانتی متر، عرض ۱۰/۵ سانتی متر.

تصویر ۱۷- این پیکره در حالت نشسته نمایش داده شده و به رنگ آجری است. برخلاف نمونه‌های قبل بر سر تاج کنگره‌ای ساده‌ای دارد. در این پیکره جزئیات صورت مانند بینی، دهان، چشمها، برجسته هستند. قسمتهای مختلف آن از جمله بدن، دستها و پاها بدون تناسب با هم بوده و ساخت آنها خیلی ابتدایی است. در میان دستهای آن شیئی شبیه به طبل دوطرفه وجود دارد و لبها به حالتی نشان داده شده‌اند که حالت آواز خواندن را القا می‌کند. محل نگهداری: موزه ملی ایران، شماره موزه: ۱۳۹۶، محل اکتشاف: شوش، طول ۱۲ سانتی متر، عرض ۶ سانتی متر.

علاوه بر نمونه‌های شرح داده شده، در مجموعه‌های خصوصی نیز پیکره‌های مشابهی وجود دارد که قسمت تاج آنها با تزئیناتی چون یک گل سه پر به شکل نقطه‌های کوچک، پالمت، نقش سر مرد در میان صفحه مدور که با دانه‌های مرواریدگونه تزئین شده است، وجود دارد. همچنین یکی از آنها ویژگی خاصی دارد. پیکره‌ای است که سردیس کوچکی را در جلوی بدن نگه داشته است (تصویر ۱۸).



مقایسه پیکره‌های تاجدار با نمونه‌های مشابه

همان‌گونه که در شرح پیکره‌ها آمد در برخی از آنها شیوه رایج آرایش موی پارتیان متأثر از هنر هلنی دیده می‌شود. (تصویر ۱) استفاده از نوار باریک بر روی موها، به‌ویژه در جلوی سر، یکی از ویژگیهای آثار دوره پارت است. بر روی سکه‌ها، مدالها، نقوش برجسته و ...، این نوار باریک بر پیشانی پارتیان (اغلب پادشاهان) دیده می‌شود. از جمله، بر روی یک مدال نقره که در موزه آرمنیاز نگهداری می‌شود بر روی این مدال، نیم‌تنه پادشاه پارتی (مهرداد اول) وجود دارد. در جلوی موهای او نوار باریکی بسته شده است. لباسی که بر تن دارد دارای یقه‌هفت است.

از لباسهای رایج در میان مردان مجسمه‌های پارتی، تونیک و شلوار بوده است. این نوع لباس بر روی آثار برجای مانده از این دوره به‌ویژه شمی دیده می‌شود. در اکثر آنها تونیک، یقه هفت دارد که به‌صورت چپ و راست لبه‌های تونیک روی هم قرار گرفته‌اند. در بین پیکره‌ها و سردیس‌های ذکر شده، نمونه نوارهای ساده یا تابدار، همچنین لباس یقه‌هفت وجود دارد. وجود تاج کنگره‌دار در برخی از پیکره‌های شوش یادآور تاج الهه نگهبان شهر به‌نام «تایخه» در الحضر است. این مجسمه، هشتاد سانتی‌متر ارتفاع دارد و تاج کنگره‌ای شکل آن شبیه به حصار شهر است. برخی از نقوش موجود بر روی تاجها، احتمالاً مفاهیم سمبلیک دارند.

ولی به‌نظر می‌رسد اکثر آنها جنبه تزئینی داشته باشند. از جمله، نقش دو پرنده مقابل هم که بر روی یکی از تاجهای شرح داده شده وجود دارد که یکی از نقوش تزئینی دوره ساسانیان، به‌ویژه بر روی منسوجات این دوره هست. نقش این تاج شباهت بسیاری به نقش یک قطعه پارچه ابریشمی دارد که در مجموعه‌ای خصوصی در پاریس نگهداری می‌شود. (تصویر ۱۹)

در یکی از پیکره‌های شوش (تصویر ۱۸) سردیس کودکی را در مقابل سینه خود قرار داده است. این نمونه، قابل مقایسه با مجسمه معروف به «الهه عترتا» در الحضر است. این مجسمه هفتاد سانتی‌متر ارتفاع دارد و با دست راست ادای احترام می‌کند و همانند پیکره شوش کودک یا تعویضی شبیه به پیکر خود را حمل می‌کند. در میان قطعات گچبری کاخ ساسانی کیش، قطعه‌ای هست که از نظر حالت کلی چهره، تبسم لبها، آرایش مو و ویژگیهای پیکره‌ها و سردیس‌های شوش را دارد. (تصویر ۲۰)

از کارخانه نیشکر واقع در سمت راست رودخانه شاتور نیز تعدادی پیکره گلی به دست آمده است. یکی از آنها، پیکره زنی است که محل چشمهای آن رنگ آمیزی شده است. موهای تیره رنگ آن حلقه وار بر روی گونه قرار گرفته و با زیورهایی تزئین شده است. احتمالاً این پیکره بر روی پایه‌ای نصب می‌شده است. برخی آن را با رفاصه‌ها و نوازندگان دوره عباسی مقایسه می‌کنند. (تصویر ۲۱)

در طی کاوشهای شهر جرجان نیز تعداد متعددی پیکره یافت شده است. خرابه‌های جرجان در چهار کیلومتری شرق شهر جدید گنبد کابوس، در جنوب شرقی دریای مازندران واقع شده است. کاوشهای جرجان در سال ۱۳۵۰ به سرپرستی آقای یوسف کیانی آغاز و تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت. در محوطه شهر جرجان تعدادی کارگاه صنعتی شناسایی شد. از جمله کارگاههای سفالگری، آهنگری و شیشه‌گری. قدمت این آثار را از دوره سامانیان تا عصر حاضر معین کرده‌اند. از درون برخی از این کارگاهها پیکره‌های انسانی یافت شده است. (تصویر ۲۲) بعضی از آنها بر سر کلاههای تاج‌مانندی با لبه کنگره‌ای شکل شبیه پیکره‌های شوش دارند. این پیکره‌ها، علاوه بر شباهت در تاج، از نظر آرایش موها نیز با آنها قابل مقایسه هستند. در برخی از پیکره‌های جرجان از نظر سبک کار به‌ویژه در نمایش جزئیات صورت تفاوتی دیده می‌شود. این پیکره‌ها از نظر تکنیک ساخت کیفیت پایین‌تری دارند. تاریخ اغلب پیکره‌های جرجان را بین قرن دهم تا سیزدهم میلادی (۴-۷ هجری) معین کرده‌اند.

تاج و آرایش مو پیکره‌های شوش و جرجان، با نقش برخی از شاهان ساسانی قابل مقایسه است. چنان‌که این شباهت را در یک نگین منسوب به قباد اول و جام خسرو اول، که در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود، می‌توان دید. (تصویر ۲۳)

شباهت بیشتر این گونه پیکره‌ها را بر روی مدالی طلا با نقش نیم‌تنه رکن‌الدوله دیلمی متعلق به سال ۳۵۹ هجری می‌توان مشاهده کرد. (تصویر ۲۴)، همچنین بر روی برخی از ظروف قرن ۶-۷ هجری، نمونه‌هایی از این گونه تاجها را می‌توان مشاهده کرد. از جمله بر روی دو ظرف سفالی گرگان. (تصویر ۲۵)



نتیجه

براساس مطالبی که گفته شد پیکره‌های تاجدار شوش تنوع بسیاری دارند. در این نوع پیکره‌ها، نفوذ هنر پارت و ساسانی را می‌توان یافت. وجود آثار رنگ در آنها نشان‌دهنده آن است که این پیکره‌ها رنگ‌آمیزی می‌شدند. تقلید از تاج شاهان ساسانی به‌ویژه تاج خسرو دوم یکی از ویژگی‌های این پیکره‌هاست. استفاده از این نوع تاجها تا دوران اسلامی به‌ویژه اوایل اسلام رایج بوده است و آن بر روی ظروف نقره اواخر دوره ساسانی و بر روی سکه‌های عرب- ساسانی، که در شهرهای مختلف مانند طبرستان ضرب شده‌اند، به‌کرات می‌توان دید.

کاربرد دقیق این پیکره‌ها مشخص نیست. با توجه به اینکه آنها با قالب یک طرفه ساخته شده‌اند احتمالاً از آنها برای تزئین برخی سطوح، مانند سطح صاف دیوارها استفاده و در آنجا نصب می‌شده‌اند. با توجه به اینکه در ساخت این پیکره‌ها تأکید خاصی بر قسمت سر و تاج آنها بوده و قسمتهای دیگر خیلی ابتدایی ساخته شده‌اند به‌نظر می‌رسد هدف از ساخت آنها نمایش اشخاص خاصی بوده است؛ زیرا چهره هیچ‌کدام از آنها یکسان نیست. وجود سرپوشهای متنوع، که برخی از آنها شباهت بسیاری به تاج دارند، از طبقه خاص اجتماعی خبر می‌دهد و این فرضیه را مطرح می‌کند که این پیکره‌ها شاید نشان‌دهنده شاهزادگان محلی باشند. از طرف دیگر، اغلب این پیکره‌ها افراد جوان را با چهره گشاده و بشاش و تبسمی بر لب نشان می‌دهد که احتمالاً مفهوم خاصی داشته است.

منابع

- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، ۱۳۴۹.
- سفر، فؤاد و ...، الحضرة، وزاده الاعلام، مديرية الآثار العامة، بغداد، کولبنکیان، ۱۹۷۴.
- عبدی، کامیار، صدوسی سال حفاری در شوش، مدیریت فرهنگی، شماره ۱۲، ۱۳۷۳.
- کابلی، میرعابدین، شوش و میراث باستانی دشت شوشان، میراث فرهنگی، شماره ۱۲، ۱۳۷۳. (با تشکر از خانم زهرا اکبری که اشیای موزه ملی ایران را طراحی کرده است).
- Bahrami, *Gurgan Faiences*, Mazda Pabliher, 1988.
- D. Thompson, *Stucco from Chal Tarkhan-Eshqubad near Rayy*, Aris & Philips, 1976.
- M. Kervarn, *Une Sucrerie D'epoque Islamique Sue La Rive Droite du Chaour a Susa*, D. A. F. I., vol. 10, 1979.



- M.y. Kiani, *The Islamic City of Gurgan*, 1984.
- P. Ackerman, *Cut Figurins, A Survey of Persian Art*, vol. I, 1964.
- R. Boucharlat, *Le Palais D'Artaxexe Sur La River Droite du Chaour a Suse*, D.A.F.I, vol. 10, 1979.
- -----, *La Fouille du Palais du Chaour a Suse en 1970-1971*, D.A.F.I, vol. 2, 1972.